بازداشت عاملان درگیری در پاساژ علاءالدین

پنج نفر از عاملان نزاع و درگیری در پاساژ علاءالدین تهران از سوی پلیس بازداشت شدند.

به گزارش جام‌جم، وقوع درگیری و نزاع در پاساژ علاءالدین در خیابان جمهوری به پایگاه هشتم پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ گزارش شد و در ادامه ماموران برای بررسی ماجرا در محل حاضر شدند. در جریان تحقیقات معلوم شد این درگیری دسته‌جمعی منجر به تخریب شیشه‌های پاساژعلاءالدین شده است. متهمان که پنج نفر بودند تحت‌تعقیب پلیس قرار گرفته و بازداشت شدند.

تحقیقات نشان می‌داد که آنها اختلاف‌های شخصی داشتند که در این درگیری خیابانی شیشه‌های چند مغازه را تخریب کردند. همچنین معلوم شد متهمان سوابق متعددی از جمله مشارکت در نزاع دسته‌جمعی منجر به ضرب‌وجرح، اخلال در نظم عمومی، حمل سلاح، زورگیری و حتی سرقت گوشی های تلفن همراه از شهروندان داشته‌اند. متهمان در مقابل شهروندان صحنه‌های حادثه را بازسازی کردند.

گزارش میدانی از حادثه ریزش مهیب ساختمان‌ها در محله فلاح تهران و گرفتار شدن نگهبانان زیر آوار

زنده به گور!

لیلا حسین‌زاده
حوادث

اینجا خیابان ابوذر، خیابان فلاح تهران است. هوا ابری و بارانی است، اما زیر پوست این لطافت صبحگاه پاییزی، خیلی خبرهاست و عده‌ای جمع شده‌اند برای تماشای ریزش ساختمانی که دیگر نمی‌تواند روی پاهایش بایستد. ساختمانی که شب قبل از وقوع حادثه، یعنی ۱۷ مهرماه به دلیل داشتن ترک‌های عمیق، تبدیل به کانون حادثه شده بود. جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی در مورد این ساختمان می‌گوید: «ساعت ۲۱ پنجشنبه ۱۷ مهر و به دنبال دریافت گزارش احتمال ریزش ساختمانی ناپایدار در مجاورت محل گودبرداری به نام زبانسرا در میدان مقدم منطقه ۱۷ تهران، به محل مراجعه و ترک‌های عمیقی در ساختمان‌های مجاور محل گودبرداری مشاهده کردیم. بر همین اساس و برای جلوگیری از وقوع فاجعه، دستور تخلیه کامل ساکنان ساختمان‌های اطراف را صادر کردیم.»

آنطور که اهالی می‌گویند؛ بالغ بر ۳۰ واحد ساختمانی در اطراف محل حادثه بود که دستور تخلیه آنها صادر شد و برخی از ساکنان ساختمان‌های مجاور در ستاد مدیریت بحران شهرداری منطقه ۱۷ اسکان داده شدند.

شب ۱۷ مهر که می‌رفت به یک فاجعه تمام‌عیار تبدیل شود، با پیش‌بینی‌های درست نیروهای امدادی و با تخلیه کامل ساکنان و ساختمان‌های در معرض خطر به خیر و خوشی تمام شد، بی‌خبر از این‌که ۱۸ مهر تازه آغاز ماجرا است.

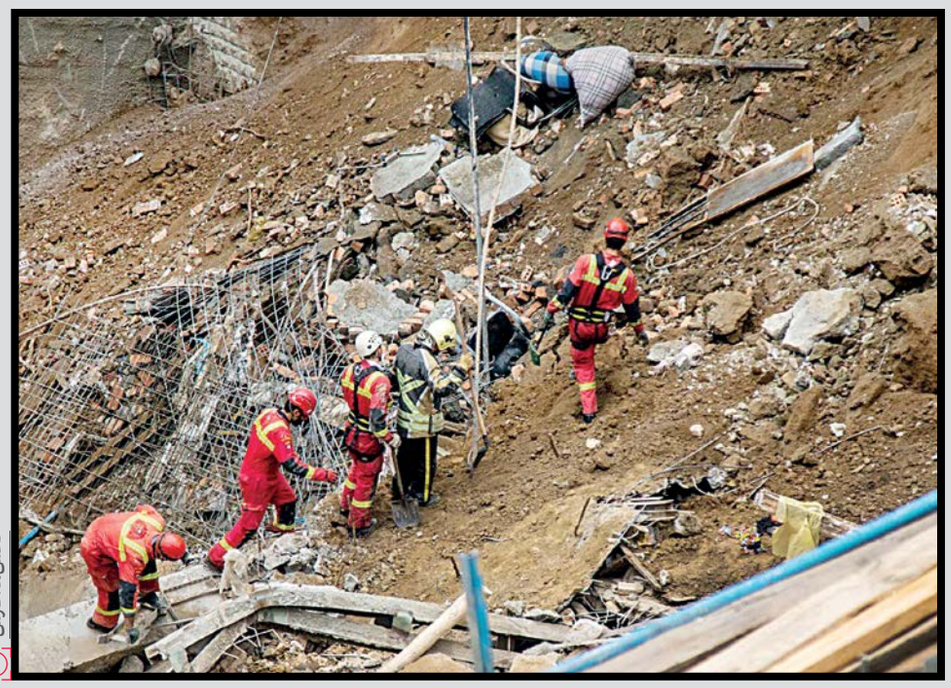

عکس‌ها: فارس

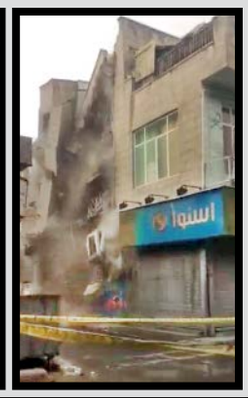

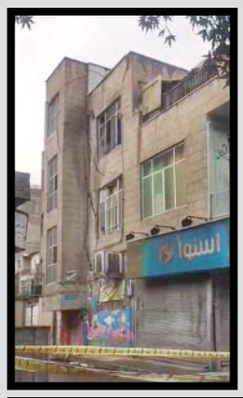

ساعت ۷:۲۰ دقیقه صبح

در حالی که همه دوربین گوشی‌های‌شان را روی محل حادثه لرزان زوم کرده‌اند، ناگهان یک ساختمان سه‌طبقه با صدای نتراشیده و نخراشیده‌ای، انگار که منفجر شده باشد، به طور کامل ریزش و بخشی از یک ساختمان دوطبقه دیگر را هم تخریب می‌کند.

ساعت ۸:۰۰ صبح

همه تصور می‌کنند شاهنامه به خوشی آخرش رسیده است، اما ناگهان ورق برمی‌گردد و اتفاق دیگری می‌افتد. طبق گفته اهالی محل، با وجود نوارکشی و حضور عوامل مستقر در محل از جمله عوامل انتظامی، دو نفر از نگهبانان ساختمان به همراه دو نفر دیگر که از اقوام‌شان بودند، به بقیه می‌گویند که باید وارد اتاقک نگهبانی شوند تا دو سگ و مدارک‌شان را از ساختمان خارج کنند. هر دو وارد محل ریزش می‌شوند.

دقایقی پس از ورود آنها به محل حادثه، ناگهان صدای قرچ‌قرچ دیوار و شیشه‌ها بلند می‌شود. شیشه‌های ساختمان یکی‌یکی خرد می‌شود. تکه‌ای از شیشه پنجره جدا می‌شود و روی زمین می‌افتد.

بعضی عقب می‌روند تا تکه پاره‌های شیشه زخمی‌شان نکند. صدای خرد شدن شیشه‌ها و ریزش دیوارها هر لحظه شدیدتر می‌شود. یکی از اهالی با ترس و هیجان، در حالی‌که دوربینش را روی ساختمان گرفته است، با صدای بلند می‌گوید: «داره می‌ریزه... داره می‌ریزه... داره می‌ریزه» هنوز جمله‌اش را تمام نکرده که ناگهان بخشی از ساختمان با کلی آجر و شیشه فرو می‌ریزد و فضای اطراف ساختمان محو و غبارآلود می‌شود.

همه از ترس می‌دوند. مردی که فیلم می‌گرفت هم جانش را برمی‌دارد و فرار می‌کند. نیروهای آتش‌نشانی و عوامل امدادی دیگر هم که از دیروز آنجا هستند، لحظه‌ای از محل حادثه دور نمی‌شوند تا کنترل وضعیت از دست‌شان در نرود. وسط آن آشوب و بلوا، یکی می‌گوید صدای آب است یا گاز که معلوم می‌شود آب است: «آچار فرانسه بیار... بدو آچار و بیار.» ماموران آتش‌نشانی هر یک به سمتی می‌دوند.

ساعت ۹:۳۰ دقیقه صبح

اضطراب و هراس عجیبی بر اهالی محل حاکم است. سه آمبولانس هم در محل منتظر است. دل در دل هیچ کس نیست. همه نگران افرادی هستند که زیر خروارها خاک مدفون شده‌اند. مردم منتظرند یا با غم و اندوه محل حادثه را ترک کنند یا با شنیدن خبر خوب نجات آنها. صدای کف و هورای‌شان، چهارستون محل حادثه را به لرزه درآورد.

ساعت ۱۳

هنوز هیچ خبری از سلامت یا مرگ چهار مدفون‌شده به بیرون درز نکرده است. آتش‌نشانان با احتیاط آواربرداری می‌کنند و بسیاری از مردم با نگرانی به آنها چشم دوخته‌اند. بسیاری از پایتخت‌نشین‌ها هنوز نمی‌دانند چرا عوامل امداد و نجات سازمان‌های مختلف، خیابان را به قرق خود درآورده‌اند.

ساعت ۱۳:۴۵ دقیقه

عملیات آواربرداری به دلیل رعایت نکات ایمنی به آرامی پیش می‌رود، هنوز هیچ خبری نیست. همه نگران مدفون‌شدگان هستند و می‌ترسند زیر خروارها خاک نفس کم بیاورند. مردمی هم که آن دور و اطراف جمع شده‌اند، منتظرند و گاهی با ترس کمی جلوتر می‌روند تا بدانند چه خبر است.

ساعت ۱۴:۱۵ دقیقه

عملیات آواربرداری وارد فاز حساسی شده، آن‌قدر که حتی هلال احمر هم با چند قلاده سگ زنده‌یاب وارد ماجرا شده است. هر لایه خاکی که برداشته می‌شود، سگ‌ها با آن شامه تیزشان جلو می‌روند و محل را بو می‌کشند تا شاید بوی انسان به مشام‌شان بخورد. سخنگوی آتش‌نشانی تهران که در محل حادثه است به جام‌جم می‌گوید: «بچه‌ها هنوز مشغول کار هستند و هلال احمر هم با سگ‌های تجسس به تیم اضافه شده است. جست‌وجو هنوز ادامه دارد، ولی به روش فرسایشی. چون شرایط بسیار خطرناک بوده و لازم است با احتیاط کار را جلو ببریم. نمی‌توانیم بی‌گدار به آب بزنیم. خاک زیادی در محل است و متاسفانه با ۲۰ متر عمق مواجه هستیم و نمی‌توانیم ماشین را پایین ببریم. اگر هم پایین ببریم، احتمال آسیب‌دیدگی وجود دارد و بنابراین لازم است تمام جوانب کار را رعایت کنیم.»

کم‌کم بقیه مردم هم از حادثه ریزش ساختمان خبردار می‌شوند و فیلم‌های آن در فضای مجازی منتشر می‌شود.

ساعت ۱۴:۵۹ دقیقه

همه مشغول کار هستند و عوامل اورژانس نیز همچنان منتظرند تا به محض پیدا شدن مدفون‌شدگان، اقدامات درمانی را آغاز کنند. خالدی هم می‌گوید هنوز هیچ خبری نیست.

ساعت ۱۶:۰۰

نزدیک به ۱۱ ساعت از حضور نیروهای آتش‌نشانی در منطقه می‌گذرد و همگی مشغول کارند، اما با رعایت تمام نکات ایمنی. ملکی می‌گوید هنوز هم هیچ خبری نیست و همه منتظرند تا شاید اتفاق خوبی بیفتد و هر چهار نفر زنده از زیر آوار خارج شوند.

ساعت ۱۸:۰۰

با توجه به احتمال ریزش ساختمانی که در مجاورت محل گودبرداری قرار داشت، امدادگران از محل حادثه خارج شده و عملیات جست‌وجو متوقف شد.

ساعت ۱۹:۱۵

محمدجواد شفیعی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران که از صبح جمعه در محل گودبرداری حضور داشت، به جام‌جم گفت: از ساعت ۹ صبح که گزارش این آوار اعلام شد همراه تیم تحقیق در محل حاضر شدم. وضعیت محل را از نزدیک مورد بررسی قرار دادیم. آتش‌نشانان و نیروهای امدادی در محل حضور پیدا کرده و در تلاش برای آواربرداری و نیز خارج کردن افراد احتمالی بودند که زیر آوار گرفتار شده‌اند. بررسی‌های اولیه نشان داد که دو مرد که از نگهبان‌های این ساختمان بودند برای برداشتن وسیله به داخل ساختمان بازگشته بودند که همان موقع ساختمان بالای اتاقک نگهبانی ریزش کرد و آنها زیر آوار گرفتار شدند.

شفیعی ادامه داد: دستورات لازم قضایی صادر شده و فقط نیروهای امدادی در محل حضور دارند و اجازه ورود افراد غریبه را به محل حادثه نداده‌ایم. بعد از بررسی‌ها و در ادامه تحقیقات دستور بازداشت مالک پروژه، مهندس پروژه و نیز پیمانکار صادر و قرار شده از این افراد تحقیقات لازم انجام گیرد تا مشخص شود به چه میزان در وقوع این حادثه نقش داشته‌اند. پرونده‌ای در این باره در مرجع قضایی تشکیل شده و موضوع به طور ویژه در دست بررسی است.

در حالی که اهالی تعداد افراد گرفتار را چهار نفر اعلام کردند، اما بازپرس جنایی در این باره گفت: بررسی‌های ما نشان می‌دهد دو نفر زیر آوار گرفتار هستند اما باید منتظر آواربرداری بود.

مرگ تلخ جوان مبتلا به اوتیسم در آتش اردوگاه

آتش‌سوزی در اردوگاه شهید باهنر تهران به مرگ و مصدومیت دو جوان مبتلا به اوتیسم منجر شد. آتش‌نشانان بعد از ۸۰ دقیقه عملیات توانستند شعله‌های آتش اردوگاه را خاموش کنند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۴ و ۵۹ دقیقه پنجشنبه هفدهم مهر امسال فردی با مرکز ۱۲۵ آتش‌نشانی تهران تماس گرفت و خبر داد، اردوگاه شهید باهنر در حوالی تجریش پایتخت آتش گرفته است. بلافاصله دو ایستگاه آتش‌نشانی برای بررسی ماجرا و امدادرسانی در محل حاضر شدند. آنها همزمان با حضورشان در محل مشاهده کردند، ساختمانی حدود ۴۰۰ متر یک طبقه در آن اردوگاه آتش گرفته است. در این سوئیت کودکان مبتلا به اوتیسم و مربیان آنها حضور داشتند. آتش‌نشانان به خاموش‌کردن شعله‌های آتش پرداختند و از جلوگیری آن به دیگر بخش‌های ساختمان جلوگیری کردند. این در حالی بود که آتش‌نشانان در جریان امدادرسانی، پسری ۱۹ ساله را یافتند که دچار سوختگی شده و کناری افتاده بود. او را تحویل امدادگران اورژانس حاضر در محل دادند و در ادامه این عملیات آتش‌نشانان متوجه شدند در اتاقی که کانون آتش‌سوزی بوده، جسد پسر ۲۵ ساله دیگری هم که او نیز به اوتیسم مبتلا بوده، افتاده است. پرونده‌ای در این باره در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات برای روشن‌شدن ابعاد این ماجرا ادامه دارد.

همچنین مجتبی خالدی، سخنگوی سازمان اورژانس کشور در این باره به جام‌جم گفت: این آتش‌سوزی یک کشته و یک مصدوم برجای گذاشت که مصدوم جوان که دچار سوختگی ۷۰ درصد شده در بیمارستان شهید مطهری بستری و تحت درمان است.

علیرضا کاظمی، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش نیز در این باره گفت: موسسه خیریه صابرین بهشت، افراد مبتلا به اوتیسم را هر پنجشنبه برای تفریح و هواخوری به اردوگاه شهید باهنر می‌آورد که در حادثه پنجشنبه نیز بچه‌های اوتیسم همراه مربیان در یکی از خوابگاه‌ها برای استراحت حضور داشتند که این آتش‌سوزی رخ داد.

ادعای عجیب متهم به آزار دختر جوان

شاکی می‌خواهد مرا مجبور به ازدواج کند!

دختر کارمند در حالی از خواستگار آزارگرش به اتهام تهدید به انتشار فیلم و عکس سیاه و اخاذی ۲۵۰ میلیون تومانی شکایت کرده که متهم مدعی است شاکی قصد دارد با این شکایت او را مجبور به ازدواج کند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، هفته گذشته دختر ۴۱ ساله کارمندی با حضور در شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از سه مرد به اتهام آدم‌ربایی و آزار و اذیت شیطانی، تهیه فیلم و عکس سیاه و اخاذی شکایت کرد. با دستور قضایی پرونده به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکی در تحقیقات گفت: کارمند یک شرکتم که چندی قبل با یکی از ارباب‌رجوع‌های شرکت به نام شهروز آشنا شدم. می‌گفت فردی پولدار و بانفوذ است. حتی با هم در چند مهمانی هم شرکت کرده بودیم. بعد از مدتی به هم علاقه‌مند شده و تصمیم به ازدواج گرفتیم. پولی از من گرفت تا برایم با سهمیه دولتی خودرو بخرد که مدام امروز و فردا می‌کرد. بعد از مدتی به بهانه‌های واهی خواستگاری را برهم زد و رابطه‌مان قطع شد. او یک روز با من تماس گرفت و خواست برای آخرین بار با او ملاقات کنم و می‌خواهد پولی را که بابت خودرو از من گرفته بازگرداند. بنابراین سر قرار در یکی از محله‌های مرکزی تهران رفتم. او با دو دوستش به محل قرار آمده بود که به زور مرا سوار خودرو کرده و به خانه‌ای در شرق تهران بردند. دو مرد غریبه رفتند و شهروز در خانه ماند و مرا به اتاقی برد و زندانی کرد. او به زور شربتی به من داد که با خوردن آن بیهوش شدم و عصر روز بعد به هوش آمدم.

دختر جوان خاطر نشان کرد: شهروز مرا مورد آزار و اذیت قرار داده و از صحنه آزارم فیلم و عکس گرفته بود و تهدید کرد اگر شکایت کنم، فیلم و عکس را منتشر می‌کند. در این هفت ماه با تهدیدهایش ۲۵۰ میلیون تومان از من اخاذی کرد.

در ادامه رد دو دوست شهروز به دست آمد و آنها مورد تحقیقات قرار گرفته و گفتند شاکی اشتباه می‌کند ما آن روز فقط سوار خودرو شهروز شدیم و بعد از طی مسافتی پیاده شدیم و از ماجرایی که او تعریف می‌کند بی‌خبر هستیم.

سپس شهروز بازداشت شد و با طرح ادعای عجیب گفت: با شاکی دوست شده و قصد ازدواج داشتم، اما وقتی فهمیدم سنش را دروغ گفته و به جای ۳۲ سال ۴۱ ساله است، اعتمادم را از دست دادم و از او جدا شدم. ربایشی در کار نبود، دوستانم را به مقصد رساندم و شاکی خودش به خانه‌ام آمد تا با هم حرف بزنیم. تجاوز و اخاذی سیاهی هم در کار نبود. او با گفته‌های دروغین می‌خواهد مرا به دردسر بیندازد تا به اجبار با وی ازدواج کنم.

شوهرکشی فرجام دوستی اینستاگرامی

دوستی اینترنتی زن متاهل با مرد جوان، قتل شوهرش را رقم زد. متهمان به‌زودی در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه قرار می‌گیرند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات در این پرونده از شامگاه ۲۹ تیر امسال همزمان با کشف جسد مرد جوانی که با ۱۸ ضربه چاقو به قتل رسیده آغاز شد. مقتول در حوالی کوره آجرپزی متروکه در محله دولتخواه در جنوب غرب تهران قربانی جنایتی هولناک شده بود. در جریان تحقیقات هویت مقتول که پیک موتوری و نگهبان یک خوابگاه دانشجویی خصوصی بود، فاش شد. سرانجام با گذشت یک ماه از این جنایت رد مرد جوانی به نام امیر و دوست او به نام پیمان در این پرونده به دست آمد و آنها در اسلامشهر بازداشت شدند. در جریان تحقیقات معلوم شد مرد جوان که دلباخته زن مقتول بوده با دستور این زن و همراه با دوستش، سراغ شوهر شیوا رفته‌اند و این جنایت رقم خورده است. پس از اعتراف این دو متهم به جنایت، همسر مقتول هم دستگیر شد. امیر در جریان آخرین دفاع خود گفت: من نمی‌دانستم شیوا متاهل است و بعد از آشنایی با او و معرفی‌اش به خانواده‌ام این راز را فاش کرد. بعد هم نقشه قتل شوهرش را طراحی کرد و من همراه دوستم اجرا کردم. ما آن روز گل کشیده و از حالت عادی خارج شدیم.

پیمان هم مدعی شد: من از نقشه قتل خبر نداشتم و فکر می‌کردم امیر قصد دارد، مرد موتورسوار را گوشمالی بدهد.

وقتی نوبت به شیوا رسید او با رد همکاری در این جنایت گفت: من در یک شرکت هرمی بازاریابی کار می‌کردم و در اینستاگرام فعالیت داشتم. در آنجا با امیر آشنا شدم و ارتباط اینترنتی داشتیم. من شوهرم را دوست داشتم و نقشه قتل او را طراحی نکردم. نمی‌دانم امیر چرا این ادعا را مطرح کرده است.

برای امیر و پیمان به اتهام مشارکت در قتل و برای شیوا به اتهام معاونت در قتل کیفرخواست صادر شد. پرونده این جنایت به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شده و متهمان به‌زودی محاکمه می‌شوند.

کوتاه از حوادث

واژگونی اتوبوس ایلام-مشهد منجر به مصدومیت ۳۵ نفر شد. دو اتوبوس مردان و زنان در قالب کاروان زیارتی از ایلام عازم مشهد بودند که صبح دیروز اتوبوس حامل مردها به دلایلی نامعلوم در محدوده ده‌نمک گرمسار واژگون شد. این اتوبوس ۴۹ مسافر داشت که ۳۵ نفرشان مصدوم و روانه بیمارستانی در گرمسار شدند که حال سه نفرشان وخیم است.

پنج نفر از عاملان گروگانگیری فردی در کمتر از ۷۲ ساعت در شهرستان سیریک بازداشت شدند. فردی در شهرستان سیریک هنگام بازگشت به خانه‌اش از سوی چهارسرنشین خودروی پژو ربوده شد و پلیس تحقیقات برای دستگیری آدم‌رباها و نجات گروگان را آغاز کرد. این در حالی بود که فردی با خانواده گروگان تماس گرفته و برای آزادی او پول درخواست کرده بود. در ادامه تحقیقات رد پنج نفر به دست آمد و در دو عملیات جداگانه پلیسی در شهرستان قشم بازداشت شده و گروگان نجات‌یافته و نزد خانواده‌اش بازگشت. سرکرده باند اعتراف کرد که به دلیل اختلاف مالی با همدستانش نقشه آدم‌ربایی را اجرا کردند که ناکام ماند و در کمتر از ۷۲ ساعت بازداشت شدند.

مردی که با وعده سرمایه‌گذاری در بازار مسکن و فروش عتیقه هشت میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود، بازداشت شد. سه مرد و یک زن با حضور در پلیس آگاهی سمنان از مردی به اتهام کلاهبرداری شکایت کردند. با تحقیقات از آنها معلوم شد متهم با وعده سرمایه‌گذاری در بازار مسکن و فروش عتیقه از آنها هشت میلیارد تومان کلاهبرداری کرده و متواری شده است. سرانجام رد متهم فراری در یکی از شهرهای شمالی کشور به دست آمد و بازداشت شد و به کلاهبرداری میلیاردی از شاکیان اعتراف کرد.

مردی که با شلیک گلوله فردی را کشته و متواری شده بود، تسلیم پلیس شد.

مردی در بیرن از روستای کلگه پهن از توابع «حومه غربی» شهر دهدشت با شلیک گلوله سلاح ساچمه زنی به قتل رسید. با تحقیقات اولیه معلوم شد که او با عامل جنایت که پسری ۲۰ ساله بوده نسبت فامیلی داشته و در پی اختلاف با هم دست به این جنایت زده است. متهم متواری بود تا این‌که سرانجام به دادسرا رفت و خود را تسلیم کرد.

مردی که سیزده سال قبل در کرمانشاه فردی را کشته و مخفیانه زندگی می‌کرد، بازداشت شد. این مرد سال ۱۳۸۶ در جریان درگیری در کرمانشاه با فردی او را به قتل رساند و از آن موقع متواری و پلیس در جست‌وجوی وی بود که سرانجام رد او که زندگی مخفیانه‌ای داشت بعد از ۱۳ سال فرار در شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی به دست آمد. ماموران با هماهنگی قضایی به آنجا اعزام شدند و متهم بازداشت شد. او به این جنایت اعتراف کرد و برای تحقیقات تکمیلی به پلیس آگاهی کرمانشاه منتقل شد.

تصادف پراید با تریلر در محور یزد به میبد منجر به مرگ سه نفر شد. این تصادف به پلیس و آتش‌نشانی گزارش شد و زمانی که نیروهای امدادی در محل تصادف پراید با تریلر حاضر شدند، معلوم شد سه نفر در تصادف در دم فوت شده‌اند که اجساد آنها به پزشکی قانونی و دو مصدوم در بیمارستان بستری شدند.

مردی که با چاقو کشیدن قصد داشت از پس دادن پولی که قرض گرفته بود، خودداری کند به قتل رسید. این متهم ۲۸ ساله در محله پیروزی سوپر مارکت داشت و تیرماه امسال یکی از دوستانش را با ضربه چاقو به قتل رساند و متواری بود که سرانجام بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات پلیسی گفت: اسفند سال گذشته دوستم که بیکار شده بود به مغازه‌ام آمد و از من دو میلیون تومان پول قرض گرفت و رفت اما دیگر پول را پس نداد. آن شب او را در خیابان دیدم و خواستم پولم را پس دهد که دعوا کرد. رفت و ساعاتی بعد بازگشت و دوباره با من دعوا کرد و با عربده‌کشی او درگیری بالا گرفت. او سمتم چاقو انداخت که آن را گرفتم و ضربه‌ای به کتف وی زدم و فکر نمی‌کردم فوت کند و از ترس فرار کرده بودم که دستگیر شدم.

بیست‌وسه نفر در شیراز پس از مصرف قهوه مسموم شدند. این افراد بعد از مصرف قهوه غیربهداشتی حالشان بد شده و به دلیل مسمومیت روانه بیمارستان شدند که با تلاش پزشکان از مرگ نجات یافتند و حال‌شان رضایت‌بخش است.